

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

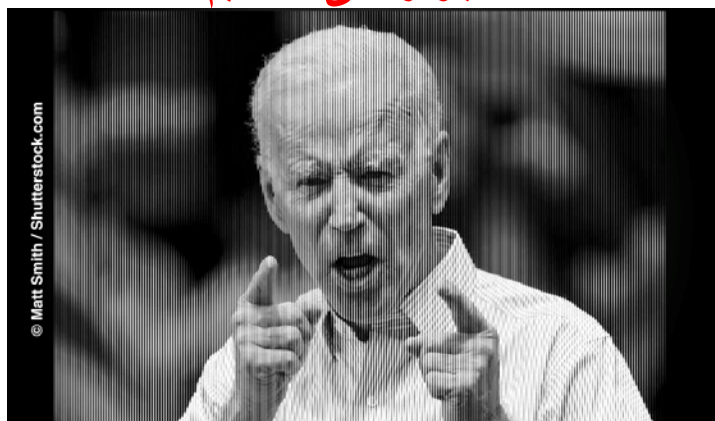
[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: رون یاکوبس  
برگردان از: سامان  
۰۸ دسمبر ۲۰۲۰

## ما جو را می‌شناسیم



ما این مرد، جو بایدن را می‌شناسیم. ما سیاستی را که وی قهرمان آن است می‌شناسیم. ما حامیان مالی و شرکتی او را می‌شناسیم. ما می‌دانیم مخالف چه چیزی هستیم. او باما و کلینتن‌ها در همان فضای نئولیبرال و اساساً ارتجاعی فعالیت کردند. چهره‌ها در قدرت ممکن است مونث، سیاه پوست، لاتینی تبار و همجنسگرا باشند، لیکن سیاست‌ها برای حفظ قدرت از مردم، پول از عده کثیری از افراد شاغل، نیروهای ماشین جنگی در اطراف جهان طراحی شده‌اند. روز تحلیف ریاست جمهوری روز گشودن جبهه جدیدی در نبرد برای سیاره و موجوداتی که روی آن زندگی می‌کنند خواهد بود. سال‌های ترمپ بیش از هر چیز یک عقب نشینی اجباری بود. نیروهای فاشیست و سایر نیروهای ارتجاعی رها شده، با اشغال کاخ سفید توسط وی به دستاوردهای بزرگی رسیدند و آنها را مصمم ساختند که به آن دستاوردها بیاویزند با این وجود. هشت سال پیش از ریاست وی، در اصل، عقب نشینی اجباری نبوده بلکه بخشی از دهه‌ها عقب نشینی طولانی بوده است.

این خوبست که بایدن یک سیاستمدار پا برجای معمولی است. اما بد هم هست. تاریخ چهار دهه گذشته (به استثنای سال‌های ترمپ) تاریخ ملتی است که توسط سیاستمداران معمولی اداره شده است. خوبست چرا که ستراتیژی‌ها و ترفندهای آنها را می‌شناسیم. بد است زیرا آن ستراتیژی‌ها و ترفندها می‌توانند مردم را آرام به خواب سیاسی فرو ببرند. بدون خشم شخصی یک ترمپ می‌تواند باعث شود که، مقامات رسمی، منصوبان آنها، و نیروهای پولی در حال خدمت

بتوانند خسارات زیادی تحت پوشش انجام کار نیک به بار آورند. این که آیا خصوصی سازی دولت ریگان، نابودی سیستم رفاه اجتماعی کلینتن، جنگ‌های خونین بوش علیه مردم خاورمیانه، یا ادامه همه آن سیاست‌ها توسط اوباما باشد، واقعیت آن است که همه این فعالیت‌ها به رضایت بیشتر ساکنان ایالات متحده به وقوع می‌پیوندند. لیبرال‌ها به دام دروغ‌های عوامانه ریگان افتادند، و اجازه دادند که با سرمایه‌گذاری‌هایشان در جهانی که فقراء بار دیگر به‌خاطر عواقب و شرایط کارشان مقصر شناخته می‌شوند رهبری شوند. زمانی که مرد آنها یعنی کلینتن در منصب بود، آنان از تشدید و اعمال فشارهای جنگ او بر فقراء پشتیبانی نمودند، مادام که به ۴۰۱ هایشان (پس اندازه‌های صندوق بازنشستگی) به عنوان دلیل و گواه اشاره می‌کنند رؤیای امریکائی کماکان مؤثر است. و جنگ‌ها فقط ادامه یافتند.

مخالفت وجود داشت، لیکن هرگز به حدی نرسید که مانع اعزام نیروهای نظامی به جنگ شده یا وقتی به آنجا رفتند کاملاً بازگردانده شوند. در واقع، بسیاری رهبران ضد جنگ درست همچنان که جنگ در عراق در حال اوج گرفتن بود رأی دهندگان خود را رها کرده و به کمپین مبارزاتی اوباما پیوستند. آن جنگ، و جنگ علیه افغان‌ها تا لحظه کنونی ادامه ادامه دارد. به علاوه، دهها هزار نفر از نیروهای امریکائی-نظامی و مزدور- در سراسر جهان در حال مرگ و نابودی هستند. بسیاری از این نیروها در نتیجه ستراتیژی جنگ با پهباد اوباما «در حال پاکسازی» بوده‌اند؛ ستراتیژی که تا دوره ترمپ ادامه یافت.

پیشنهاد‌های خاصی توسط بایدن ارائه خواهند شد و کسانی که در جناح چپ او هستند باید از آنها حمایت کنند. امیدوارم، که این پیشنهادات کمک زیادی به بهبود درد مالی بسیاری از جوامع ایالات متحده که خود را درگیر بیماری همه‌گیر کرونا می‌بینند بکنند. برای شروع، مزایای بیکاری، و همچنین مهلت قانونی تخلیه باید تمدید شوند. بدهی‌های دانشجویی باید لغو شوند و مراقبت‌های بهداشتی همگانی مقرون به صرفه ایجاد شوند.

اینها فقط برای مبتدی‌هاست. چپ‌ها باید دستور کار خود را بر مبنای اینها و سایر مسائل داخلی تنظیم نمایند و اجازه ندهند که توسط جناح راست حزب دموکرات محدود شوند. این امر فقط از طریق ایجاد یک موج سازمانی هماهنگ که دهها هزار نفر را به خیابان‌ها و سالون‌های کنگره می‌آورد امکان‌پذیر است. اتحادیه‌ها باید برای پیوستن به این فعالیت‌ها توسط اعضایشان فراخوانده شوند. مدارس، شهرداری‌ها، کلیساها و سیاستمداران محلی نیز باید چنین باشند. در صورت وقوع و تداوم این امر، پیروزی ممکن است.

از طرفی موضوع جنگ و تدارک برای جنگ وجود دارد. گرچه سیاستمداران غالباً به ما می‌گویند که مخالف جنگند، ولی این از نوادر روزگار است که کسی واقعاً با آن مخالفت نماید. این امر به ویژه پس از شروع جنگ اتفاق می‌افتد، و بدان معناست که، خلاف برنامه‌های داخلی فوق‌الذکر، متحدان بسیار کمی در کنگره خواهند داشت که خواهان یک جنبش ضدجنگ معنادار باشند.

در واقع، به نظر می‌رسد اکنون تنها سیاستمدارانی که علیه جنگ‌های ایالات متحده در خارج کشور صحبت می‌کنند جمهوری خواهان متمایل به لیبرترین‌ها (آزادیخواهان) هستند. موضوع نباید این باشد. به عنوان مثال، سناتور جاش هاولی (R-Mo)، بدستی خاطر نشان کرد که کابینه بایدن از «شرکت‌گرایان و علاقه‌مندان جنگ» تشکیل شده است. البته، GOP (نام اولیه حزب جمهوریخواه) به تعداد کافی از هردو نیز دارد، لیکن بسیار مهم به نظر می‌رسد که چپ ضد جنگ در چهار سال آینده پیش‌قدم شود تا مانع از این گردد که هاولی یا هر ترمپیست دیگری، علی‌رغم هم تاریخ و هم واقعیت جاری، ادعا کند حزبش ضد جنگ است.

علاوه بر این، در حالی که احساسات ضد جنگ در یک اعتراض از خاستگاه و موضع لیبرترین‌ها (آزادیخواهان) مورد استقبال قرار می‌گیرد، چپ ضد جنگ باید خود را بازسازی نموده، مراقب اتحاد با افرادی که با اغلب جنگ‌های

امپراتوری مخالفند ولی در عین حال همزمان از آزادی ایالات متحده برای دستیابی به سود در هر نقطه‌ای از جهان حمایت می‌نمایند باشند. واقعیت ساده آن است که، سرمایه‌داری برای ادامه حیات خود نیاز به گسترش و اعمال فشار بر جمعیت‌های تحت کنترل خود دارد. آزادی‌خواهان (لیبرترین‌ها) وقتی که صحبت از اعتقاد آنها به سرمایه‌داری می‌شود بنیادگرا هستند، تصور می‌کنند که سود جوئی تنها آزادی واقعی است.

تاریخ-بیش از هر جریان لیبرتینی (آزادیخواهانه‌ای) - بروشنی به ما می‌گوید که برای گسترش و بقای سرمایه‌داری (دو واژه‌ای که در سرمایه‌داری با هم مترادف می‌شوند)، جنگ رخ خواهد داد. همان لیبرترین‌هایی (آزادیخواهانی) که مخالف جنگ هستند مخالف مراقبت‌های بهداشتی همگانی، تأمین اجتماعی، بیمه بیکاری و حتی چک‌های محرک ناچیز و اشیانگن که اوایل همه‌گیری جاری داده شد نیز هستند.

با توجه به جنگ و سرمایه‌داری، بگذارید که مفهوم رقابت امپراتوری را لمس کنیم. در حالی که اطمینان ندارم که روسیه و چین قدرت‌های امپراتوری هستند، این امر روشن است که اقتصادهای آنها رقابت جدی برای امیدهای اقتصادی ایالات متحده هستند. گرچه حتی هر کشور سرمایه‌داری به وجود اقتصاد جهانی سرمایه‌داری کنونی نیاز دارد، این نیز درست است که نظام سرمایه‌داری به همان اندازه که به دنبال معاملات تجاری است که به سود شرکت‌ها و بانکدارانی باشد که خارج از مرزها داد و ستد می‌کنند، نیازمند رقابت میان آن کشورها نیز هست.

در حالی که کشور بی‌نظیر و نادری است که جنگ با بزرگترین رقابتی خود را بر می‌گزیند، واقعیت آن است که چنین جنگ‌هایی رخ می‌دهند. به همین دلیل اظهارات اخیر سیاستمداران GOP (حزب جمهوریخواه) علیه چین و خطاب کردن کابینه بایدن به «دوستداران پاندا» «panda-huggers» و امثال آن در بهترین حالت ریاکارانه هستند. به علاوه، اظهارات دموکرات‌ها در مورد پوتین و روسیه نیز چنین هستند. در مورد ایران، باید امیدوار بود که بایدن اجازه ندهد ایالات متحده با تحریک اخیر قتل محسن فخری زاده دانشمند ایرانی بیشتر به درگیری کشیده شود.

هنگامی که جرج بوش پدر George HW Bush در سال ۱۹۸۹ میلادی سوگند یاد کرد، من در المپیاد زندگی می‌کردم، WA ائتلافی از گروه‌های ضد جنگ، محیط زیستی، ضد نژادپرستی و کارگران برای اعتراض ضد-سوگند فراخوان دادند.

قابل توجه‌ترین آدم‌ها با چشم پوشی از آنها، برخی افراد خاص لیبرال و آرامش طلب بودند که استدلال می‌کردند، ما سازمان دهندگان باید به بابا بوش فرصت بدهیم. پاسخ ما ساده بود: جرج اچ. دبلیو بوش پرونده‌ای داشت. او مدیر عامل سازمان سیا بوده است، مدیر ارشد تأمین بودجه غیر قانونی برای مخالفان نیکاراگوئه (کنترها)، و عضو وفادار و مشوق دولت ارتجاعی رونالد ریگان.

البته، فهرستی که ما تهیه کردیم بالا بلندتر از آن بود، ما می‌دانستیم که جرج اچ. دبلیو بوش چه کسی است. ما سیاست‌های وی و این که به چه کسی خدمت می‌کند را می‌شناختیم. وقت آن نبود که «ببینم چه کار می‌تواند بکند». به عبارتی، ما می‌دانستیم که مخالف چه چیزی هستیم.

مأخذ:

<http://www.counterpunch.org>

دسامبر ۲۰۲۰ - هالند